رسول الله صلی الله علیه وسلم در رمضان با ما هشت رکعت به همراه وتر خواند. شب بعد که در مسجد جمع شدیم و در انتظار خروج ایشان بودیم، تا صبح به مسجد نیامد.

از جابر بن عبدالله رضی الله عنهما روایت است که می گوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم در رمضان با ما هشت رکعت به همراه وتر خواند. شب بعد که در مسجد جمع شدیم و در انتظار خروج ایشان بودیم، تا صبح به مسجد نیامد. صبح که شد نزد ایشان رفتیم و گفتیم: ای رسول خدا، امیدوار بودیم خارج شده و نزد ما بیایی و با ما نماز بخوانی. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «كَرِهْتُ أَنْ يُكْتَبَ عَلَيْكُمُ الْوِتْرُ»: «دوست نداشتم وتر بر شما واجب شود».

[حسن است] [به روایت ابن خزیمه]

رسول الله صلی الله علیه وسلم به همراه اصحابش در مسجد هشت رکعت به همراه وتر می خواند. و این نماز در رمضان بوده است. در شب بعد صحابه در مسجد جمع می شوند با این گمان که رسول الله صلی الله علیه وسلم خارج شده و مانند شب گذشته با آنها نماز می خواند. به همین دلیل می گویند: «امیدوار بودیم خارج شده و نزد ما بیاید» تا با آنها نماز شب بخواند؛ اما صحابه تا صبح در مسجد انتظار می کشند و رسول الله صلی الله علیه وسلم خارج نمی شود؛ تا اینکه صبح طلوع می کند و نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم می روند تا علت عدم حضورش برای نماز خواندن با آنها را جویا شوند؛ بنابراین به رسول الله صلی الله علیه وسلم می گویند: ای رسول خدا، امیدوار و مشتاق خروج شما بودیم تا همچون شب گذشته با ما نماز بخوانید؛ اما رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: «دوست نداشتم نماز وتر بر شما واجب شود». و به این ترتیب علت عدم خروجش را توضیح می دهد. و در روایتی آمده است: «خَشِيتُ أَنْ تفْرَضَ عَلَيْكُمْ»: «ترسیدم که این نماز بر شما فرض شود». و در لفظی آمده است: «خَشِيتُ أَنْ تُفْرَضَ عَلَيْكُمْ صَلَاةُ اللَّيْلِ»: «ترسیدم که نماز شب بر شما فرض شود». و این علتی بود که رسول الله صلی الله علیه وسلم را از خارج شدن بازداشت؛ و این از رحمت و شفقت ایشان به امتش بود چنانکه الله متعال در توصیف ایشان می فرماید: «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ» [توبه: 128] « یقیناً پیامبری از [میان] خود شما به سوی تان آمد که رنج دیدن تان بر او [گران و] دشوار است و بر [هدایت] شما سخت اصرار دارد و [نسبت] به مؤمنان، دلسوز [و] مهربان است». اصل این حدیث در صحیحین می باشد که عایشه رضی الله عنها روایت می کند: شبی رسول الله صلی الله علیه وسلم در دل شب خارج شد و در مسجد نماز خواند؛ و مردانی با ایشان در نماز شریک شدند و صبح آن روز مردم در این مورد با هم سخن گفتند که در اثر آن جمعیت بیشتری جمع شد و همراه ایشان در شب بعد نماز خواندند. صبح که شد مردم در این مورد با هم سخن گفتند؛ و در شب سوم جمعیت حاضر در مسجد بیشتر شد و رسول الله صلی الله علیه وسلم خارج شد و با ایشان نماز خواند. چون شب چهارم فرا رسید، مسجد گنجایش نمازگزاران را نداشت، اما رسول الله صلی الله علیه وسلم تا نماز صبح خارج نشد؛ وقتی برای نماز صبح خارج شد و نماز صبح را خواند، رو به مردم کرد و بعد از گفتن شهادتین فرمود: «أَمَّا بَعْدُ، فَإِنَّهُ لَمْ يَخْفَ عَلَيَّ مكانَكم، لَكِنِّي خَشِيتُ أَنْ تُفْرَضَ عَلَيْكُمْ، فَتَعْجَزُوا عَنْهَا»: «اما بعد، وضعیت شما بر من پنهان نماند، ولی ترسیدم که (در صورت استمرار، نماز شب) بر شما فرض گردد و شما از عهده ی آن بر نیایید».